



Analysis of the Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in International Relations With an Emphasis on the Rule of Negation of the Mustache

Mostafa Entezarumahdi ^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, RobatKarim Branch, Islamic Azad University, Robatkarim, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 197-214

Article history:

Received: 27 Apr 2023

Edition: 09 Agu 2023

Accepted: 26 Agu 2023

Published online: 23 Mar 2024

Keywords:

Economic Diplomacy, Globalization of the Economy, International Relations, Mustache Negation Rule

Corresponding Author:

Mostafa Entezarumahdi

Address:

Iran, Tehran, RobatKarim Branch, Islamic Azad University, Robatkarim, Faculty of Humanities, Department of Political Science.

Orchid Code:

0000-0002-6573-1694

Tel:

09120296151

Email:

m.emahdi1982@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: The issue of economic and political interaction with the outside world of Iran is one of the important issues, the nature of which has always been the subject of debate and disagreement in the light of the rule of negation of the mustache. Today, economic diplomacy plays a very important role in international relations between countries. Based on this, the aim of this article is to analyze the economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran in international relations with an emphasis on the rule of negation.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Results: Economic diplomacy has been emphasized in various upstream documents such as the goals of the twenty-year vision and the sixth development plan. This approach does not conflict with the rule of negating the mustache. According to the rule of keeping the covenant and living peacefully with the infidels in the legal texts, there is no obstacle to the realization of economic diplomacy based on the negation of domination.

Conclusion: Today, international pressures and effects on Iran's economy are felt more and more, and the performance of the national economy is subject to international factors much more than in the past. According to the progress of the globalization of the economy, the Islamic Republic of Iran needs to take foreign policy programs that create interaction between the domestic and international economy. In order to realize economic diplomacy, it is necessary to focus on economic production and development, define the priority of economy or politics in the international relations of the Islamic Republic of Iran, and make internal understanding in this regard.

Cite this article as:

Entezarumahdi M. *Analysis of the Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in International Relations With an Emphasis on the Rule of Negation of the Mustache*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

تحلیل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین الملل با تأکید بر قاعده نفی سبیل

مصطفی انتظارالمهدی^{*۱}

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رباط کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحث تعامل اقتصادی و سیاسی با دنیای خارج از ایران از موضوعات مهمی است که ماهیت آن در پرتو قاعده نفی سبیل همواره محل بحث و اختلاف نظر بوده است. امروزه دیپلماسی اقتصادی نقش بسیار مهمی در روابط بین‌المللی میان کشورها ایفا می‌کند. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، تحلیل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل با تأکید بر قاعده نفی سبیل است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: دیپلماسی اقتصادی در اسناد مختلف بالادستی مانند اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه توسعه ششم، مورد تأکید قرار گرفته است. این رویکرد تعارضی با قاعده نفی سبیل ندارد. بر اساس قاعده وفای به عهد و زیست مسالمت‌آمیز با کفار در متون فقهی، مانعی برای تحقق دیپلماسی اقتصادی بر پایه نفی سبیل وجود ندارد.

نتیجه: امروزه فشارها و اثرات بین‌المللی بر روی اقتصاد ایران بیش از پیش احساس می‌شود و عملکرد اقتصاد ملی به مراتب بیش از گذشته تابع عوامل بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشرفت جهانی شدن اقتصاد، لازم است که برنامه‌هایی را در سیاست خارجی در پیش گیرد که بین اقتصاد داخلی و بین‌المللی تعامل ایجاد نمایند. به منظور تحقق دیپلماسی اقتصادی ضروری است بر تولید و توسعه اقتصادی تمرکز شده، تکلیف اولویت اقتصاد یا سیاست در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مشخص شده و تفاهم داخلی در این خصوص صورت گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۷-۲۱۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

واژگان کلیدی:

دیپلماسی اقتصادی، جهانی شدن اقتصاد، روابط بین‌الملل، قاعده نفی سبیل

نویسنده مسئول:

مصطفی انتظارالمهدی

آدرس پستی:

ایران، تهران، رباط کریم دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رباط

تلفن:

09120296151

کد ارکید:

0000-0002-6573-1694

پست الکترونیک:

m.emahdi1982@gmail.com

۱. مقدمه

دیپلماسی در دنیای امروز تنها محدود به مسائل سیاسی نبوده بلکه به دلیل گسترش پدیده جهانی شدن و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر هم از لحاظ تعداد بازیگران درگیر در دیپلماسی و هم از لحاظ حوزه‌های تحت پوشش توسعه یافته است. در این مسیر جنبه‌های غیرسیاسی به ویژه دیپلماسی تجاری و اقتصادی از اهمیت و وزن بیشتری در روابط بین‌المللی پیدا نموده است. بر این اساس به مناسبات سیاسی بر مبنای ارجحیت‌های اقتصادی از این رو، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اهمیت یافتن مناسبات اقتصادی در روابط خارجی، یکی از ابزارهای مهم اولویت داده می‌شود (طلایی، ۱۳۸۸، ۳۴). «اقتصاد مهم‌ترین عاملی است که دیپلماسی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است و بین سیاست و اقتصاد ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد» (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴، ۸۵). بنابراین، در فضای موسوم به جهانی شدن، کوشش بازیگران بین‌المللی عمدتاً معطوف به دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی است که خود مستلزم بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، دسترسی به بازار جهانی و حفظ منافع در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی است.

سال‌ها است بسیاری از کشورهای توسعه یافته دریافته‌اند توسعه پایدار مناسبات اقتصادی می‌تواند ضامن امنیت ملی آن‌ها باشد. از این رو در بسیاری از نظام‌های حاکم، نقش دیپلماسی سیاسی در بسیاری از زمینه‌های کمرنگ شده و دیپلماسی تجاری قدرت بیشتری پیدا کرده است. ظهور و پیدایی بازیگران تأثیرگذار در موضوعات اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی باعث شده که دولت

بیش از هر چیز نیازمند راهکارهایی برای نحوه تعامل با بازیگران جدید باشد و به همین منظور برای مدیریت تحولات و پاسخ‌گویی به انتظارات بازیگران نوظهور، نیازمند استفاده از دیپلماسی اقتصادی است. مفهوم جهانی شدن برای مناطق و کشورهای معانی مختلفی را به همراه دارد و هر کشوری به تناسب وضعیت اقتصادی، نهادینه شدن بنیان‌های اقتصادی، سیاسی و همین‌طور غنای فرهنگی راهبرد انطباق یا عدم انطباق را با فرایند جهانی شدن تنظیم می‌کنند. علی‌رغم اهمیت این موضوع، متأسفانه در کشور ما هنوز آن‌طور که باید دیپلماسی تجاری فعال و منسجمی حاکم نیست و هنوز هم در بسیاری از موارد، دیپلماسی سیاسی ما در اولویت قرار دارد. کشور ایران موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک و پتانسیل‌های بی نظیری برای حضور فعال در عرصه تجارت بین‌الملل دارد. وضعیت اقتصاد داخلی و جایگاه اقتصاد کشور در جهان به هیچ وجه با توانایی‌های بالقوه و بالفعل جامعه ایرانی هم خوانی ندارد و جامعه ما نیازمند اقدامات اساسی در جهت تحول و تغییر است. از جمله اقداماتی که باید محقق گردد تا شرایط موجود اقتصاد کشور متحول گردد اتخاذ دیپلماسی اقتصادی مناسب، است در سال‌های اخیر متغیر تحریم سبب شده است تا همگونی و هم سوئی تعاملات خارجی اقتصادی ایران با تعاملات سیاست خارجی‌اش بیش از پیش مطرح شود. از این رو توجه به راهکارهایی ارائه شده در این مقاله حائز اهمیت می‌باشد. در خصوص دیپلماسی اقتصادی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سید جلال دهقانی فیروزآبادی و مختار صالحی، در مقاله‌ای به بررسی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌های آن با تأکید بر پنج شاخص جهانی شدن اقتصاد پرداخته است (دهقانی

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

دیپلماسی اقتصادی در اسناد مختلف بالادستی مانند اهداف چشم‌انداز بیست ساله و برنامه توسعه ششم، مورد تأکید قرار گرفته است. این رویکرد تعارضی با قاعده نفی سبیل ندارد. بر اساس قاعده وفای به عهد و زیست مسالمت‌آمیز با کفار در متون فقهی، مانعی برای تحقق دیپلماسی اقتصادی بر پایه نفی سلطه وجود ندارد.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم دیپلماسی اقتصادی

«کلیدواژه اصلی مفهوم دیپلماسی اقتصادی، کلمه دیپلماسی است که به معنی فن، تدبیر، یا روش مسالمت‌آمیز مدیریت روابط بین واحدهای سیاسی و ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی دولت‌ها، شناخته می‌شود» (کاظمی، ۱۳۶۵، ۱۲۱). دیپلماسی با هر تعریف و عنوان، از جمله به عنوان ابزار حل و فصل اختلافات، ایجاد فضای مناسب جهت تعامل، جلوگیری از جنگ و توسعه روابط صلح‌آمیز، همواره مورد توجه و نیاز جوامع بشری بوده است. بنابراین، دیپلماسی در ارتباطات بشری عاملی جدید به حساب نمی‌آید. از کهن‌ترین جوامع انسانی تا معاصرترین آن‌ها نهاد دیپلماسی ضرورتی پایدار برای ایجاد فضای تعامل و پرهیز از اختلافات یا مدیریت آن بوده است (سجادپور، ۱۳۹۵، ۱۲). با تغییرات شگرف بین‌المللی تنظیم روابط اقتصاد خارجی میان کشورها به دیپلماسی منتقل شده و بسیاری از مذاکرات و دیدارهای عادی میان

فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱) مجتبی رستمی و فرشید نمایان نیز در مقاله‌ای، مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (رستمی و نمایان، ۱۳۹۸) همچنین آرزو قلی‌پور نوروزی، بهزاد شاهنده و کیهان برزگر، در مقاله‌ای، چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط ژئوپولیتیکی جدید را بررسی کرده‌اند (قلی‌پور نوروزی، شاهنده و برزگر، ۱۴۰۰) تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های انجام شده در تحلیل دیپلماسی اقتصادی بر مبنای قاعده نفی سبیل است. این موضوع نوآوری مقاله حاضر بوده و از این جهت اهمیت دارد که دیدگاه‌های قائل به ایجاد محدودیت در مناسبات بین‌المللی از جمله دیپلماسی اقتصادی در ایران وجود دارد. بر اساس آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل با تأکید بر قاعده نفی سبیل چگونه قابل تحلیل است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «قاعده نفی سبیل بر اساس قواعدی چون زیست مسالمت‌آمیز، قاعده وفای به عهد مانعی برای تحقق دیپلماسی اقتصادی نیست». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره ابتدا مفهوم دیپلماسی اقتصادی و قاعده نفی سبیل تبیین شده و در ادامه از دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت‌های آن در پرتو قاعده نفی سبیل بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

اقتصاد جهانی، تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی برای کسب و کار داخلی (به ویژه در عرصه تجارت و خدمات)، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیرگذاری بر مقررات بین‌المللی برای خدمت به منافع یک کشور (واعظی؛ موسوی شفاپی، ۱۳۸۸، ۴؛ ایمبرت، ۲۰۱۷، ۱۵۲-۱۵۱)؛ در هر حال، دیپلماسی اقتصادی مفهومی عام است که تمامی موضوعات اقتصادی میان کشورها را در برمی‌گیرد. بر اساس آنچه گفته شد، دیپلماسی اقتصادی فارغ از تولید، مسائل زیرساختی و لجستیکی، مشکلات بانکی و برخی مسائل اقتصادی دیگر است. در این پژوهش نیز منظور از دیپلماسی اقتصادی تلفیقی از فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی است که برای پیشبرد و توسعه مبادلات تجاری و اقتصادی در ارتباط با بیگانگان به کار گرفته می‌شود.

۵-۲. قاعده نفی سبیل

برای درک بهتر معنای این قاعده مهم فقهی در ابتدا لازم است معنای واژه «نفی» و واژه‌ی «سبیل» روشن و تبیین شود. نفی در لغت برطرف کردن، نسبت کردن را گویند و «به معنای انکار کردن و رد نمودن و نپذیرفتن و دور کردن نیز آمده است (طیبیان، ۱۳۸۰، ۱۷۸۴) «رأی درک معنای این اصل و قاعده مهم فقهی، ابتدا باید معنای واژه «سبیل» روشن شود. سبیل در لغت به معنای راه می‌باشد؛ اما گاهی به معنای شریعت و قانون نیز به‌کاربرده می‌شود. منظور از «سبیل» در این جا همان معنای اصطلاحی و دوم می‌باشد؛ یعنی قانون و شریعت، فقیه متتبع معاصر صاحب کتاب القواعدالفقهیه نیز آن را چنین معنا کرده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۱۵۹). و در اصطلاح این قاعده نفی در انکار هرگونه جعل حکمی از جانب شارع مقدس است که موجب سلطه و استیلای کفار بر مسلمین باشد. پس واژه‌ی نفی در اینجا به

دولت‌ها به موضوعات اقتصادی اختصاص پیدا می‌کند (همیلتون و لنگهون، ۲۰۱۱، ۲۵۰-۲۳۰). دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اولویت بخشیدن به اهداف توسعه اقتصادی در سیاست خارجی کشورها و سیاست جهانی، موضوعی است که در دهه‌های اخیر و به طور مشخص از دهه ۱۹۷۰ وارد مطالعات سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و روابط بین‌الملل شده است (کیهان و نای، ۲۰۰۱، ۱۲-۱۰). «در واقع دیپلماسی اقتصادی پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهان شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری‌های فزاینده بین همه بازیگران درگیر است. دیپلماسی اقتصادی مرتبط با به کار بردن توانایی‌های مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دو جانبه و چند جانبه در تعقیب منافع ملی است. در این ارتباط از دیپلماسی اقتصادی می‌توان دو معنا برداشت نمود: ۱. دیپلماسی، مرتبط با موضوعات سیاسی اقتصادی است. ۲. دیپلماسی منابع اقتصادی را به کار می‌گیرد هم به عنوان پاداش هم به عنوان مجازات برای تأمین اهداف سیاست خارجی. دیپلماسی اقتصادی شامل تمامی فعالیت‌ها، استراتژی‌ها و ابتکارات هماهنگ و سازگار اقتصادی و سیاسی در دو سطح دولتی و غیردولتی است که در سیاست خارجی کشورها در دو عرصه تعامل ملی و بین‌المللی باهدف دستیابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی به کار گرفته می‌شود» (صالحی، ۱۳۹۲، ۴۱۵). به طور کلی و با وجود تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی که از دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است، می‌توان در همه تعریف‌ها و برداشتها از دیپلماسی اقتصادی، حداقل سه الی چهار کارکرد یا حوزه عمل را برای آن تصور کرد: حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های

سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی به استناد این قاعده است. حفظ اعتلا و عزت مسلمانان و نظام حکومت دینی یک اصل اساسی اسلامی محسوب می‌شود. در فقه امامیه، مبادلات و مراوداتی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیر مسلمانان و بیگانگان و دخالت در امور مسلمین گردد ممنوع می‌باشد. بر این اساس، دولت اسلامی بر اساس احترام متقابل با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. و به دنبال سلطه یافتن بر دیگر دولتها نیست و از طرفی دیگر نیز سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد. بر همین اساس در سیاست خارجی دولت اسلامی نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است از اصول سیاست خارجی شمرده می‌شود» (غفوری، ۱۳۷۸، ۲۳).

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده، اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ۱۷۹) «روابط مسلمانان با کفار مبتنی بر یک ملاک ثابت است و آن نفی نفوذ و سلطه کفر است؛ هرگاه ایجاد ارتباط با کفار، همراه با نوعی نفوذ در جامعه اسلامی شود، ممنوع و گرنه آزاد است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گویای نهادهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر پایه اصول و ضوابط اسلامی است برخی از اصولی که در قانون اساسی ایران به سیاست خارجی آن مربوط می‌شود، از قاعده نفی سبیل اثر گرفته است» (موسوی شفاهی، ۱۳۸۸؛ ۸۸). در این باره در بند ششم اصل دوم اشعار می‌دارد: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری...» که بیانگر ابعاد داخلی و خارجی سیاست‌های جمهوری اسلامی است.

معنای هرگز و نه است که از واژه «لَنْ» در آیه شریفه اقتباس گردیده است. سبیل در لغت طریق، راه، حجت و عذر، راه روشن (المنجد، ماده سبیل) سرزنش نمودن و مذمت کردن (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۵، ۳۹۱) کاربردهای قرآنی ابن سبیل در مواردی چون جهاد و انفاق می‌باشد.

فقهاء برای سبیل تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند: «سبیل عبارت است از سلطنتی که مترتب می‌گردد بر ملک ثابت، چه مالکیت به شخص مملوک باشد، یا به بهره‌گیری از چیزی، یا استحقاق بهره‌گیری، یا اثباتید، و مانند آن» (کرکی (محقق ثانی)، ۱۴۱۴، ج ۴، ۶۲) و بر اساس همین نظر است که بسیاری از فقهاء فروش قرآن مجید و سایر اشیاء مقدس را به کفار جایز ندانسته‌اند. «سبیل به معنی غلبه و سلطه است و اختصاص به غلبه خاصی ندارد، هم مقصود از نفی سبیل غلبه در احکام است و هم در حجت و دلیل. تنها غلبه از جهت قدرت و نیروی خارجی از این عموم وجداناً خارج است، چون بالعیان می‌بینیم که کافران در جنگ و قتال با مسلمانان احیاناً غالبند. اما این که در برخی از روایات از سبیل به حجت تعبیر شده است به جهت بیان بعضی از افراد و مصادیق آن است، نه تمام معنی آن، اما این که چرا امام (ع) خصوص این معنی را بیان نموده است، به خاطر این است که این معنی نزدیک به فهم مردم است».

«جنبه سلبی قاعده نفی سبیل، نفی ظلم و استبداد و استعمار برای حفظ استقلال و نفی وابستگی می‌باشد و جنبه ایجابی آن نیز حفظ نظام اسلامی و ارتقاء منزلت اسلام نزد مسلمانان و مستضعفان جهان است» (ابوطالبی، ۱۳۹۵، ۳۶) «تحریم تنباکو و کاپیتولاسیون توسط میرزای شیرازی و امام خمینی و اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی، اصول متعدد قانون اساسی ایران در

از این قاعده می‌توان در ابعاد سیاسی و اجتماعی و فقهی استفاده‌های فراوان کرد و در فقه از آن بهره‌مند شد، اما در عصر حاضر اساسی‌ترین پیام آن پویایی و شکوفایی فقه سیاسی اسلام با محور نفی سبیل است. بی‌شک در شرایط حاضر که سلطه و نفوذ کشورهای بیگانه و استعماری در شکل‌های مختلف استعمار جدید و قدیم بر مسلمانان و بلاد آنها سایه افکنده است، یکی از بهترین راهها برای نجات و بیرون رفتن از این وضع ذلت بار، توجه و عمل به این قاعده است؛ زیرا این قاعده هر گونه کاری را که سلطه و نفوذ بیگانه را در پی داشته باشد حرام و غیر مشروع می‌داند و مبارزه با آن را لازم و واجب می‌شمارد. بنابراین، بر اساس این قاعده می‌توان گفت بسیاری از کارها در ارتباط با دولتها و ملتهای غرب و شرق حرام است. این امور در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی مصادیق فراوان دارد. فروش نفت، خرید اجناسی که مظهر فرهنگ بی‌دینی است، خرید کالاهایی که سبب افزایش قدرت آنان است، اجازه برقراری پایگاههای نظامی، روی خوش نشان دادن به سفرا و دولتمردان آنها و پذیرش مدهای مختلف در اشکال زندگی، نمونه‌هایی از این مصادیق است.

۳-۵. دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

تدوین دیپلماسی تجاری در هر کشوری نیازمند داشتن چارچوب حقوقی و قانونی می‌باشد که جهت کلی، اهداف و ابزارها را مشخص سازد و حوزه نفوذ و حیطه مسئولیت‌های سازمان‌های ذینفع را تعریف کرده و راه‌هایی برای ارزیابی‌های دوره‌ای تعیین کند تا در صورتی که نتایج حاصله رضایت‌بخش نبود امکان تجدیدنظر در آن وجود داشته باشد. «برای اولین بار در سال ۱۳۸۲ یک سند راهبردی مسیر آینده اقتصاد کشور را مشخص ساخته است.

این رویکرد استراتژیک تصریح دارد که هدف توسعه اقتصادی ایران صرفاً در چارچوب مرزهای ملی قابل تحقق نخواهد بود و در عصر جهانی شدن، توسعه صرفاً یک مقوله ملی به شمار نمی‌رود و تنها به اتکاء منابع داخلی دست‌یافتنی نیست. از این‌رو راهبردی‌ترین نکته چگونگی حضور در نظام اقتصادی بین‌الملل می‌باشد» (سجادپور، ۱۳۹۵، ۱۲). «تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله، مستلزم تعریف رابطه جدیدی با اقتصاد جهانی است و برای کشوری چون جمهوری اسلامی ایران که نگرانی‌ها و دغدغه‌های زیادی در رابطه با نظام بین‌الملل دارد، طی کردن فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت و تغییر تدریجی الگوها و رفتارهای اقتصادی و تجاری کشور متناسب با الزامات توسعه‌ای، بهترین فرصت برای برقراری رابطه تعاملی جدید و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی و ایجاد یک پیوند مستمر و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی و ایجاد یک پیوند مستمر و پایدار میان تجارت و توسعه در قالب راهبرد توسعه صادرات می‌باشد. از سوی دیگر تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه مطابق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مستلزم تعامل سازنده و فعال با کشورهای منطقه است» (صالحی، ۱۳۹۲، ۴۱۶). دست‌یابی به میانگین رشد اقتصادی سالانه ۸٪ فقط محدود به اهداف اقتصادی سند نشده و موضوع تعامل سازنده با جهان را نیز در برمی‌گیرد. هم‌چنین در بند ۱۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دولت ملزم به استفاده از دیپلماسی اقتصادی برای حمایت از تولید ملی و اقتصاد کشور شده تا بتواند اقتصاد کشور را مقاوم کند: مطابق بند ۱۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی: «افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق: ۱) توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش

به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه نماید (رانا، ۱۳۹۵: ۹۳)

دیپلماسی اقتصادی شامل تمامی فعالیت‌ها، استراتژی‌ها و ابتکارات هماهنگ و سازگار اقتصادی و سیاسی در دو سطح دولتی و غیردولتی است که در سیاست خارجی کشورها در دو عرصه تعامل ملی و بین‌المللی باهدف دستیابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی به کار گرفته می‌شود به طور کلی و باوجود تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی که از دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است، می‌توان در همه تعریف‌ها و برداشتها از دیپلماسی اقتصادی، حداقل سه الی چهار کارکرد یا حوزه عمل را برای آن تصور کرد: حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی، تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی برای کسب و کار داخلی (به ویژه در عرصه تجارت و خدمات)، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیرگذاری بر مقررات بین‌المللی برای خدمت به منافع یک کشور. جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به پیشرفت و رفاه در کشور باید توجه بیشتری به روابط اقتصادی خارجی داشته باشد و بنابراین ناگزیر باید وارد حیطه دیپلماسی اقتصادی شود. بر اساس همین ضرورت است که دیپلماسی اقتصادی در اسناد مختلف بالادستی منعکس شده است. در واقع در نهایت، ظهور و پیدایی بازیگران تأثیرگذار در موضوعات اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی باعث شده که دولت بیش از هر چیز نیازمند راهکارهایی برای نحوه تعامل با بازیگران جدید باشد و به همین منظور برای مدیریت تحولات و پاسخگویی به انتظارات بازیگران نوظهور، نیازمند استفاده از دیپلماسی اقتصادی است. با این وجود، وضعیت موجود ایران به خصوص در حوزه اقتصادی در سطح جهانی، چندان شایسته نیست. چالش

همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان (۲) استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی. (۳) استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

علاوه بر این، در ماده ۱۰۵ برنامه ششم نیز صراحتاً بر لزوم توجه به دیپلماسی تجاری تأکید گردیده است: بر اساس ماده مورد اشاره اهداف زیر باید در دستور کار قرار گیرد: «۱) ایجاد بسترها و شرایط سیاسی لازم برای تنوع بخشی و تقویت پیوندهای همه جانبه با کشورهای هدف در جهان به ویژه کشورهای منطقه، همسایگان و قدرت‌های نوظهور در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام. (۲) تقویت دیپلماسی اقتصادی با تمرکز بر ورود به بازارهای جهانی برای صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی، تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دستیابی به فناوری‌های نوین و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور بخش غیردولتی در دیگر کشورهای منطقه و کشورهای جنوب غربی- آسیا به ویژه کشورهای همسایه و اسلامی در چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. (۳) وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری وزارت امور خارجه مکلف است ظرف مدت یک سال از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون، رایزنان بازرگانی در سفارتخانه‌های ایران در کشورهایی که بر اساس آمار گمرک بیشترین رابطه تجاری با ایران را دارند به گونه‌ای تعیین کند که کلیه این افراد دارای تحصیلات مرتبط با حوزه‌های اقتصادی بوده و به زبان انگلیسی یا کشور هدف تسلط کامل داشته باشند. مدت خدمت این افراد دو سال است. وزارت امور خارجه با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارش سالانه اجرای این حکم را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی، می‌تواند پیشنهاد‌های خود را

اصلی پیشروی دیپلماسی اقتصادی اختلافات موجود در سطوح مختلف سیاسی در ارتباط با نقش و جایگاه اقتصاد در اداره کشور است. تفسیر ناصحیح از مسئله سیاست و نادیده گرفتن تاثیرات رفتارها و تصمیم‌های سیاسی بر شرایط اقتصادی خصوصاً در عرصه روابط بین‌الملل و ارتباطات اقتصادی با سایر نقاط جهان از جمله چالش‌های پیشروی دیپلماسی اقتصادی است.

۴-۵. دیپلماسی اقتصادی در پرتو قاعده نفی سبیل

بحث اساسی در مقاله حاضر تبیین این موضوع مهم است که دیپلماسی اقتصادی چگونه در پرتو قاعده نفی سبیل قابل تبیین است؟ به عبارتی با چه تبیینی امکان تحقق دیپلماسی اقتصادی وجود دارد در حالیکه قاعده نفی سبیل رعایت شود. اولین مبنای فقهی و قرآنی در دیپلماسی اقتصادی نفی سلطه است. خداوند در قرآن، به عنوان یک اصل هرگونه روابط ولایی میان مسلمانان با غیرمسلمانان را نفی کرده است. به این معنا که جامعه و دولت اسلامی باید هیچ رابطه ولایی با بیگانگان نداشته باشد. قرآن درباره نفی رابطه ولایی مؤمنان با اهل کتاب می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را اولیای خود نگیرید که بعضی از آنان اولیاء بعضی دیگرند. و هر کس از شما آن‌ها را اولیاء گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید (مائده/ ۵۱).

نفی رابطه ولایی با کفران از دیگر ابعاد قاعده نفی سبیل است. خداوند در این باره نیز فرموده است؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کفران را به دوستی خود مگیرید. آیا می‌خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید؟ (نساء/ ۱۹۶)

نفی رابطه ولایی با دشمنان خدا و امت اسلام از دیگر ابعاد قاعده نفی سبیل است. برخی از کسانی

که در موارد پیشین نفی شده‌اند ممکن است تنها با مسلمانان، دشمنی داشته باشند ولی به خدا اعتقاد داشته و با خدا دشمنی نداشته باشند؛ بنابراین خداوند درجایی دیگر به مسئله دشمنان خدا و مسلمانان اشاره کرده و هرگونه رابطه ولایی را با آنان نفی کرده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمی‌گیرید به طوری که با آن‌ها اظهار دوستی کنید و حال آن که قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند و پیامبر خدا و شما را از مکه بیرون می‌کنند که چرا به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید. شما پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آن چه پنهان داشتید و آن چه آشکار نمودید داناترم. و هر کس از شما چنین کند، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است» (ممتحنه/۱).

در کتاب‌های فقهی شیعه، نظیر سرائر (ابن ادریس، ۱۴۰۱، ج ۳۵، ۳۵)، انوار الفقاهه (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۵۶۰)، الکافی (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۶)، الغنیه (گیلانی، ۱۳۹۴، ۱۶۱)، المقنعه (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۲۲)، المراسم (سلار، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ۱۸) النهایه (طوسی، ۱۳۴۲، ج ۱۶، ۹) شرایع-الاسلام (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲۵۵، ۱۶)، قواعد الاحکام (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۲۶۷)، الخلاف (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۲۶۹)، جواهر الکلام (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۴۱، ۶۲۹)، از عدم سلطه کفار بر مسلمانان در همه زمینه‌ها از جمله دیپلماسی اقتصادی به عنوان «قاعده نفی سبیل» یاد شده است.

در ادامه از در چند بند، دیپلماسی اقتصادی در پرتو قاعده نفی سبیل تبیین و تحلیل شده است:

۵-۴-۱. وفای به عهد و نفی سبیل

« اصل نفی سبیل از اصولی است که دولت اسلامی باید در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، به آن توجه داشته باشد. پایبندی به این اصل، راه نفوذ و سلطه کافران و بیگانگان را بر مسلمانان و دولت اسلامی می‌بندد و ضامن حفظ عزت و استقلال است. بر اساس این اصل، هر پیمان و قراردادی که موجب سلطه کافران بر مسلمانان شود، اعتبار حقوقی ندارد. از سوی دیگر، با توجه به اصل وفای به عهد، پایبندی به پیمان‌های بین‌المللی، اگرچه به ضرر مسلمانان باشد، ضروری است. بنابراین، کدام‌یک از این دو اصل مقدم داشته می‌شود؟ از سوی اندیشمندان دو دیدگاه مطرح شده است؛ بر اساس دیدگاه اول، در صورتی که قراردادی میان مسلمانان و کافران بسته شود، به محض این که کشف شود این قرارداد به ضرر جامعه اسلامی است، قاعده نفی سبیل خودبه‌خود آن را لغو و باطل می‌سازد. هرچند فسخ قرارداد بسته شده بر اساس قاعده فقهی دیگر که وجوب وفای به عهد (اوفوا بالعهد) نام دارد، جایز نباشد، به دلیل کشف ضرر، قاعده «نفی سبیل» وارد میدان می‌شود و قاعده اوفوا بالعهد را خنثی و بی‌تأثیر می‌کند و حاکمیت خود را اعمال می‌کند. این بر اساس عنوان ثانویه‌ای است که قرارداد پیدا می‌کند» (شکوری، ۱۳۹۴، ۳۸۷).

«بر اساس دیدگاه دیگری، چه بسا در مواردی، به سبب وجود مصلحتی مهم‌تر برای اسلام و مسلمانان، اصل نفی سبیل نادیده گرفته شود، مانند آنچه در صدر اسلام در صلح حدیبیه مقرر شد و به‌موجب آن، پیامبر اعظم (ص) مسلمانان رها شده از زندان مشرکان مکه را به آن‌ها بازگرداند و فرمود: با این قوم پیمان بسته‌ایم، شایسته نیست عهدشکنی کنیم پس در دوران امر بین مصلحت

ناشی از اصل وفای به عهد و اصل نفی سبیل، رسول خدا (ص) اولی را ترجیح داد. به نظر می‌رسد دولت اسلامی در صورتی که نسبت به تعهداتی با کارشناسی دقیق وارد شود و با توجه به جوانب آن‌ها، تعهدات را پذیرفته باشد، اصل وفای به عهد، اصل حاکم در روابط خارجی دولت اسلامی به شمار می‌رود» (سلیمی، ۱۳۷۹، ۲۵۴)

رعایت گونه‌های مختلف میثاق‌های مختلف از جمله قراردادهای تجاری و اقتصادی دوطرفه یا چند طرفه در اسلام واجب است و همگی زیرمجموعه اصل عدالت و نفی ظلم است. خدای سبحان در آغاز سوره مبارکه «مائده» می‌فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها [و قراردادهای] وفا کنید! چهار پایان [و جنین آن‌ها] برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود [و استثنا خواهد شد]. و در حالی که در احرام هستید، صید را حلال نشمرید. خداوند هر چه را بخواهد [و مصلحت باشد] حکم می‌کند». «عقد» به معنای بستن و گره زدن است و وفا به عقد به معنای حفظ مقتضیات عقد، التزام به لوازم و زیر پا نگذاشتن آن است. عقد در این آیه به معنای معقود؛ مانند خلق به معنای مخلوق است، بنابراین «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یعنی به معقود و پیمان‌هایی که بسته‌اید وفا کنید، و گرنه معنای مصدری آن؛ یعنی «بستن» وصف عاقد است که با انشای وی پدید می‌آید و وفا کردن به آن معنا ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸۸). به نظر می‌رسد دولت اسلامی در صورتی که نسبت به تعهداتی با کارشناسی دقیق وارد شود و با توجه به جوانب آن‌ها، تعهدات را پذیرفته باشد، اصل وفای به عهد، اصل حاکم در روابط خارجی دولت اسلامی به شمار می‌رود، چنانکه پیامبر در صلح حدیبیه، وفای به عهد را مقدم فرمود. البته به طور کلی نمی‌توان یکی از دو اصل را بر دیگری مقدم داشت، بلکه در هر مورد

غیرمسلمان و بیگانه است. تاکید حضرت بر این است که وابستگی در مصرف به بیگانگان امر مذمومی است و امت اسلامی هرگز نباید در پوشاک و خوراک خود به بیگانه نیازمند باشد و در صورت چنین نیازی جامعه‌ی اسلامی دلیل خواهد شد. وقتی استفاده از پوشاک و خوراک بیگانه امر مذمومی تلقی می‌گردد، خرید و فروش این اجناس در بازار اسلامی نیز بی‌تردید مذموم است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ۲۶۰). می‌توان از روایت مورد اشاره این گونه برداشت کرد که «تاکید حضرت بر خوراک و پوشاک بدان جهت است که انسان نمی‌تواند بدون این دو به زندگی مادی خویش ادامه دهد. و در واقع قوام و استواری جامعه به این دو وابسته است. محتوای کلام حضرت این است که ضروریات از نیازمندی‌های جامعه حتماً باید در درون جامعه تأمین شود و از آن جهت که در جامعه‌ی آن روز آن دو مهم‌ترین نیازمندی‌ها محسوب می‌شدند، به بیان آن دو اکتفا شده است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ۲۶۰).

براساس آموزه‌های دینی، تجارت، باهدف برآوردن هزینه زندگی، هم ردیف جهاد و به‌سان شهادت در راه خداست و عامل مهمی در رشد و شکوفایی اقتصاد اسلامی می‌باشد. در اسلام تجارت به صورت یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین فعالیت‌های اقتصادی به منظور دوام حیات جامعه‌ی اسلامی، تأمین نیازهای اقتصادی و ایجاد روابط سالم با دیگر جوامع بشری مورد تاکید و تشویق قرار گرفته است و بازرگانی در محدوده‌ی احکام کلی اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. واژه‌های تجارت و بیع و شراء در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به دو معنای دادوستد الهی و داد و ستد اقتصادی به‌کار رفته‌اند. تجارت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های حیاتی در اسلام اهمیت خاصی دارد و مورد تاکید

باید بر اساس مصلحت دولت اسلامی و مسلمانان و قاعده مهم و مهم اقدام کرد. اگر عزت و استقلال به‌گونه‌ای تهدید شود که اصل حیات نظام اسلامی به خطر افتد، در این صورت، پایبندی به تعهدات بین‌المللی ضرورتی ندارد. در عرف بین‌الملل نیز پذیرفته شده است که اگر قراردادی استقلال و حاکمیت کشوری را تهدید کند، آن کشور می‌تواند از آن پیمان خارج شود. البته دولت اسلامی بر اساس این اصل نمی‌تواند هر قراردادی را که به نوعی به ضررش باشد، فسخ کند، زیرا پایبندی به تعهداتی که قبول کرده، اگرچه به ضررش باشد، ضروری است. علاوه بر این، دولت اسلامی در جامعه‌ی بین‌المللی زیست سیاسی و اقتصادی دارد و اگر پایبندی خود را به پیمان‌ها نشان ندهند، کارآمدی و اعتبار بین‌المللی خود را از دست خواهد داد. از این رو، قبل از انعقاد تعهدات، کارشناسی دقیق می‌تواند از پیدایش بسیاری از مشکلات جلوگیری کند.

۵-۴-۲. حمایت از تولید داخلی

پوشیده نیست که حمایت از تولیدات، ملی مقدمه‌ای برای نفی سیل و جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان است. لذا باید از باب مقدمه واجب از تولیدات ملی حمایت نمود. «امام صادق (ع) فرمود: امیرالمؤمنین (ع) همواره می‌فرمود که مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشد و از غذاهای آنان استفاده نکند، همواره در خیر خواهد بود و هنگامی که چنین کند خداوند آنان را دلیل خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ۳۲۳). «گرچه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، عدم استفاده از لباس العجم و اطعمه العجم را مطرح فرمود ولی به قرینه هذه الامه که مقصود امت رسول الله (ص) است به خوبی فهمیده می‌شود که مقصود از عجم در برابر عرب نیست، بلکه مقصود

خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد». علاوه بر این، حکومت اسلامی باید پیشنهاد سازش و صلح از جانب کفار را بپذیرد. در همین راستا در آیه ۸ سوره صف آمده است: «در صورتی که آنان تهاجم نکرده و نکنند.» اسلام رابطه حسنه بین‌المللی و از جمله مناسبات و دیپلماسی اقتصادی را چنین توجیه می‌کند: مبدأ فاعلی و آفریدگار و پروردگار همگان یکی است فطرت‌های بشر مشترک است. یعنی ساختارهای اولی انسانیت در همه یکی است. و نیز مقصد و هدف نهایی قافله بشر واحد است. بعد از روشن شدن وحدت امور یاد شده، قهره روابط حاکم بر بشر هم باید مشترک و یکسان باشد و آن هم دین الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۳۶). «اسلام برای اجرای حقوق مشترک در مرحله و گام نخست میان مؤمنان روابط حسنه را برقرار و کیفیت زندگی مسالمت‌آمیز افراد با ایمان را تشریح کرد. در مرحله دوم، رابطه مسلمان‌ها و سایر موحدان و پیروان انبیا مانند مسیحی‌ها و یهودی‌ها را بنیان گذاشت که خدا و وحی و نبوت و رسالت را قبول دارند. در قدم سوم، کیفیت رابطه مسلمان‌ها و همچنین موحدان را با غیر اهل توحید بازگو فرمود که آن‌ها را می‌پذیرد و با آنان می‌تواند زندگی مشترکی و بدین‌سان وحدتی جهان‌شمول پدید آورد» (مدنی ۱۳۹۷، ۱۰۹)

«امروز نیاز به گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی و تسهیل در گردش کالا، خدمات و سرمایه باعث شده است که دولت‌ها به این درک جمعی برسند که برای تسهیل مبادلات اقتصادی و تجاری و نظم بخشی به فعالیت‌های تجاری بین‌المللی باید سیاست‌ها و قوانین و مقررات خود را در خصوص انجام فعالیت‌های اقتصادی فرامرزی با یکدیگر هماهنگ نمایند و از اصول واحدی تبعیت کنند»

و تشویق قرار گرفته است. مسلمانان به پیروی از دستورات اسلام در این عرصه خوب درخشیدند. جدیتی که آنان در امور بازرگانی و تجارتي داشتند کمتر از کوششی نبود که در علم و صنعت داشتند به شهادت تاریخ، مسلمانان در توسعه‌ی بازرگانی جهانی نقش خوبی ایفا کردند (شکوری، ۱۳۹۴، ۳۸۷).

۵-۴-۳. اصل رفتار مسالمت‌آمیز

«در متون فقهی و آیات قرآن رفتار مسالمت‌آمیز در سه حوزه مطرح است: الف) امت اسلامی: آیه ۱۰ سوره حجرات (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید) و نیز آیاتی دیگر مؤمنان و مسلمانان را به سلیم، صلح و صفا فرامی‌خواند و از هرگونه تفرقه داخلی باز می‌دارد تا براساس آیه ۲۹ سوره فتح (بر کافران سختگیر او) با همدیگر مهربان) با مهربانی زیر سایه اسلام، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. اگر کسی در حوزه اسلامی به داعیه مؤمن بودن با مؤمنان دیگر درگیر شود و اختلاف ایجاد کند، قرآن کریم دیگران را موظف کرده است که او را مهار و آن اختلاف را برطرف کنند» (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ۶۳)

«خدای سبحان، هرچند اعتقاد کافران و مشرکانی را که به جامعه اسلامی آسیبی نمی‌رسانند و بر ضد آن توطئه نمی‌کنند، مبعوض دانسته است؛ ولی مسلمانان را نهی نمی‌کند که با آنان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و با آن‌ها به نیکی و عدالت رفتار کنند، چون خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد، گرچه این عدل محوری نسبت به کافران باشد» (فراهیدی، ۴۲۱، ۱۴۱۰-۴۲۶) در آیه ۸ سوره ممتحنه آمده است: «خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که

بنیان نهاده است. همین امر توجه هرچه بیشتر به دیپلماسی اقتصادی را به ضرورت مبدل ساخته است و لازم است متناسب با مبانی موجود در آیات قرآن و دیدگاه فقها، سازوکارهای لازم جهت تحقق دیپلماسی اقتصادی تبیین و تدوین گردد.

۵-۵. مدیریت اولویت‌ها و جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی

«دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کشور با دو تناقض روبرو می‌باشد. این که در اهداف سیاست خارجی باید اولویت به اقتصاد داده شود یا موضوعات سیاسی. هر کدام از اولویت‌ها در سیاست خارجی ساز و کارهای متفاوتی را می‌طلبد. حتی اگر موضوعات اقتصادی در جهت‌گیری سیاست خارجی در اولویت قرار گیرد سؤال این است که چه سازوکارهایی باید برای دیپلماسی اقتصادی در پیش گرفته شود تا کمترین چالش در اهداف سیاسی و اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی به وجود آید. در این چالش معمولاً تعاملات اقتصادی با دیگر کشورها بر اساس روابط و رویکرد سیاسی بر سیاست خارجی برقرار می‌شود و این اقتصاد است که پیرو و دنباله‌رو موضوعات و مسائل سیاسی می‌باشد» (سجادپور، ۱۳۹۵، ۱۳). برای استفاده مؤثر از دیپلماسی اقتصادی لازم است، میان سازوکارهای سیاسی و اقتصادی سازگاری ایجاد نمود و هر کدام مکمل و تقویت‌کننده دیگری باشد نه این که، هر کدام، اهداف طرف مقابل را نقض و خنثی نماید. جدای از این که معمولاً نباید اهداف سیاسی و اقتصادی هم‌دیگر را کنترل نمایند لازم است که اقتصاد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در کنار سازگاری میان اهداف سیاسی و اقتصادی لازم است که روش‌هایی که برای دیپلماسی اقتصادی بکار گرفته می‌شود، سازگاری وجود داشته باشد. مثلاً می‌توان بین دو روش؛ تأکید بر

(زایدل هوهن فلدن، ۱۳۹۳، ۲۵). «لذا روابط مسالمت‌آمیز میان تابعان حقوق بین‌الملل تا حد زیادی به مبادلات اقتصادی میان آن‌ها بستگی دارد. رابطه میان صلح، همکاری و مبادلات اقتصادی آن‌چنان مستحکم است که مقدمه منشور سازمان ملل متحد و ماده یک آن، صلح را در معنایی موسع، یعنی فراتر از فقدان جنگ مورد توجه قرار داده و در راستای تقویت مبانی صلح برای همکاری‌های اقتصادی ارزشی والا قائل شده‌اند. به همین خاطر بند ۳ ماده یک منشور سازمان از همکاری بین‌الملل در حل مسائل اقتصادی یاد کرده، و سپس در فصل دهم در مواد ۶۱ تا ۷۲ برای محقق ساختن این امر شورای اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان رکن اصلی خود بنیان نهاده است» (کاظمی، ۱۳۶۵، ۱۲۱). همین امر توجه هرچه بیشتر به دیپلماسی اقتصادی را به ضرورت مبدل ساخته است و لازم است متناسب با مبانی موجود در آیات قرآن و دیدگاه فقها، سازوکارهای لازم جهت تحقق دیپلماسی اقتصادی تبیین و تدوین گردد.

روابط مسالمت‌آمیز میان تابعان حقوق بین‌الملل تا حد زیادی به مبادلات اقتصادی میان آن‌ها بستگی دارد. رابطه میان صلح، همکاری و مبادلات اقتصادی آن‌چنان مستحکم است که مقدمه منشور سازمان ملل متحد و ماده یک آن، صلح را در معنایی موسع، یعنی فراتر از فقدان جنگ مورد توجه قرار داده و در راستای تقویت مبانی صلح برای همکاری‌های اقتصادی ارزشی والا قائل شده‌اند. به همین خاطر بند ۳ ماده یک منشور سازمان از همکاری بین‌الملل در حل مسائل اقتصادی یاد کرده، و سپس در فصل دهم در مواد ۶۱ تا ۷۲ برای محقق ساختن این امر شورای اقتصادی و اجتماعی را به عنوان رکن اصلی خود

دارد. با این رویکرد می‌توان هم الزامات و انتظارات بین‌المللی را مدیریت نمود، هم این که می‌توان با مواضع داخلی هماهنگی بیشتری ایجاد کرد. دیپلماسی اقتصادی در این زمینه پویاست و نیازمند دیپلماتی است که با فکر و خلاقیت در راستای سازگاری میان مواضع داخلی و بین‌المللی تلاش نماید.

۶. نتیجه

دیپلماسی اقتصادی، اقدامات رسمی دیپلماتیک است که سه هدف عمده افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی را دنبال می‌کند. در واقع دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی کشور را در اقتصاد جهانی گسترش داده و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در جهت دستیابی به منافع اقتصادی، زمینه را برای تأمین رفاه عمومی فراهم می‌نماید. در عین حال، نفی سبیل اصل مهم در روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... است که مبنای شکل‌گیری روابط نظام اسلامی با دیگر کشورها بوده و روابط بین‌الملل اسلامی را سامان می‌دهد. در واقع، نفی سبیل در روابط و سیاست خارجی دارای نقش تعیین‌کننده و شگرفی دارد بدین صورت که وقتی قراردادی میان مسلمانان و بیگانگان بسته شود، به محض اینکه کشف شود که قرارداد مزبور زمینه‌ساز سلطه‌ی بیگانگان بر جامعه‌ی سالمی است، این قاعده وارد عمل شده و آن قرارداد را لغو و باطل می‌سازد هرچند که، قرارداد بسته شده بر اساس قاعده «اصاله اللزوم فی العقود و وجوب پای‌بندی به عقود، غیر قابل فسخ باشد. در راستای تحلیل دیپلماسی اقتصادی بر مبنای قاعده نفی سبیل به نحوی که تعارضی با آن نداشته باید بر مبنای قاعده وفای به عهد و اصل زیست مسالمت‌آمیز رفتار شود. هر چند اسلام

برداشتن موانع تجاری از سوی اقتصاد یون و تأکید بر روش رفتار متقابل از سوی سیاسیون تلفیق ایجاد کرد و مذاکره برای رفع موانع تجاری با تأکید بر رفتار مقابل جایگزین گردد. در این زمینه سیاست خارجی کشورها با حساسیت و دقت خاصی لازم است که میان روش‌ها و ابزار سیاسی و اقتصادی در عرصه بین‌الملل هم‌خوانی و هماهنگی ایجاد نمایند.

نکته مهم دیگری که تأثیرگذاری عمده‌ای بر کارایی دیپلماسی اقتصادی و کارآمدی دیپلمات اقتصادی بر جای می‌گذارد این است که جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی بایستی عرصه بین‌المللی داشته باشد و یا عرصه داخلی. در این زمینه لازم است بررسی شود که چقدر میان منابع داخلی تصمیم‌گیرنده و اجرایی در امر دیپلماسی اقتصادی هماهنگی وجود دارد. آیا در نحوه تعامل با بازیگران بین‌المللی در موضوعات اقتصادی هماهنگی و نگاه واحدی در داخل وجود دارد یا نه، افزایش تلاش برای القاء سیاست‌های اقتصادی در عرصه بین‌المللی و یا در مقابل توجه به ساختار و ملزومات اقتصادی بین‌المللی در این زمینه می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را با چالش مواجه نماید. در این زمینه چیزی که بیش از هر چیز در دیپلماسی اقتصادی وجود دارد این است که در مذاکرات بین‌المللی لازم است که روحیه منعطف و تعدیلی داشت. به این معنا که نگاه و بازی در مذاکرات بازی برد - برد می‌باشد. یعنی ممکن است در برخی از زمینه‌ها در مذاکرات یک دولت امتیازاتی را از دست بدهد اما در زمینه‌های دیگر می‌تواند امتیازاتی را به طور متقابل به دست آورد. در پیش‌گرفتن روحیه و شیوه تعاملی مبتنی بر عکس‌العمل متقابل در دیپلماسی اقتصادی بر شیوه تقابلی و عدم انعطاف در مذاکرات اقتصادی در عرصه بین‌الملل برتری

است که عمدتاً به دلیل عدم وجود محیط مناسبی برای به بار نشستن سیاست‌ها و اقدامات است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

مستقیماً به مفهومی چون دیپلماسی اقتصادی ورود نداشته است اما با تبیین آیات و دیدگاه فقها در خصوص تعامل با بیگانگان، مبانی مورد اشاره در خصوص دیپلماسی اقتصادی قابل درک است. هرچند اسلام رابطه با کافران و ملحدان غیر معاند را امضا می‌کند، محدودیت‌هایی در این روابط دارد. اما بر اساس اصل رفتار مسالمت‌آمیز و قاعده وفای به عهد می‌توان با آن‌ها روابط تجاری بر مبنای دیپلماسی تجار تنظیم کرد. اصولی چون قاعده نفی سلطه، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و اصل وفای به تعهدات مهم‌ترین مبانی و اصول حاکم بر دیپلماسی اقتصادی در متون فقهی و آیات قرآن است. در دیپلماسی اقتصادی، اسلام نه دین انزوا است تا جدا از جهان زندگی کند و نه سلطه‌پذیر است و نه سلطه‌گر. هم اصل انزوا را باطل می‌داند و هم سلطه‌گری را امضاء نمی‌کند و هم سلطه‌پذیری را ننگ می‌داند. از این‌رو در عین حال که در سوره مبارکه «ممتحنه» رابطه با کافران را امضاء کرده، رابطه با مستکبران را امضاء نکرده است، چون با کافر زندگی مسالمت‌آمیز ممکن هست، زیرا وی گرچه اصول الهی را نمی‌پذیرد، اصول انسانی را می‌پذیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، تعامل ناکارآمد و غیرمستمر با جهان، علی‌رغم توصیه اکید در اسناد بالادستی توسعه کشور، عدم انسجام نهادهای دولتی مؤثر در امر تجارت و حمایت‌های سراسری و غیره فمند از بنگاه‌های اقتصادی در کنار اتخاذ رویکرد جایگزینی واردات از مهم‌ترین مشکلاتی است که محیط سیاست‌گذاری تجاری کشور از آن رنج می‌برد. علی‌رغم سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات مختلف در زمینه توسعه صادرات طی دهه‌های اخیر هم‌چنان کشور در این زمینه دچار ناکامی

منابع

قرآن کریم

فارسی

- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی و اصول سیاست خارجی در اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات حر، ۱۳۹۴.
- صالحی، مختار، «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دفاع مقدس)»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۲.
- طبیبیان، سید حمید، ترجمه فرهنگ لاروس (عربی به فارسی)، چاپ یازدهم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- طلایی، محسن، دیپلماسی اقتصادی در دولت نهم (مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل / مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی (حقوق تعهدات بین الملل و دیپلماسی در اسلام)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- غفوری، محمد، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر، چاپ اول، تهران، نشر مهاجر، ۱۳۷۸.
- قلی پور نوری، ارزو؛ شاهنده، بهزاد؛ برزگر، کیهان، «چالش ها و فرصت های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط ژئوپولیتیکی جدید»، مجله جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال یازدهم، شماره سوم، تابستان ۱۴۰۰.
- کاظمی، سیدعلی اصغر، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین الملل، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۵.
- ابوطالبی، مهدی، شیعه وصیانت از سرمایه های ملی، چاپ اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و روابط بین الملل، چاپ اول، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و صالحی، «مختار، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه ها و چالش ها (با تأکید بر پنج شاخص جهانی شدن اقتصاد)»، مجله پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره پناه و دوم، پاییز ۱۳۹۱.
- رانا، کیشان اس، دیپلماسی دوجانبه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵
- رستمی، مجتبی و نمایان، فرشید، «مضامین و چالش های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران»، مجله روابط خارجی، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۸.
- زایدل هوهن فلدرن، آیگناس، حقوق بین الملل اقتصادی، چاپ ششم، تهران، موسسه شهر دانش، ۱۳۹۳.
- سجادی پور، سیدمحمد کاظم، «جمع بندی نتایج کنفرانس های سه گانه»، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها (ویژه همایش بین المللی ایران و مناطق پیرامونی)، ۱۳۹۵.
- سلیمی، عبدالحکیم، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه آموزش و پژوهش های امام خمینی، ۱۳۷۹.

- گیلانی، عبدالقادر، الغنيه لطالبي طريق الحق، چاپ اول، تهران، نشر آراس، ۱۳۹۴.
- مدنی، سید محمود، میرزای شیرازی، چاپ ششم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
- مصلی نژاد، غلام عباس، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۴.
- واعظی، محمود؛ موسوی شفايي، مسعود، دیپلماسی اقتصادی، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸.
- عربی**
- ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، جلد سی و پنجم، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۱.
- سلار، حمزه عبد العزيز، المراسم العلویة و الاحکام النبویة فی الفقه الامامی، جلد چهاردهم، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۶۵.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوى، جلد شانزدهم، اصفهان، نشر معارف اهل بیت (ع)، ۱۳۴۲.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، جلد سوم، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۳.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰.
- کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد چهارم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار (ع)، جلد شصت و سوم، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، جلد شانزدهم، تهران، نشر استقلال، ۱۴۰۸.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، ۱۴۱۱.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد چهل و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.

لاتین

- Hamilton, Keith. and Langhorne Richard, The Practice of Diplomacy its Evolution, Theory and Administration, London and New York, Rutledge, 2011, pp; 230-250.
- Imbert, Florence B. EU Economic Diplomacy Strategy. European Parliament. Policy Department, 2017, pp; 151-152.
- Keohane, Robert and Josef Nye, Power and Independence, Third Edition, London, Longman, 2001, pp; 10-12.

